

پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۴ • ۹

شرق روزنامه فرهنگ ایرانی

ارتباط شغلی بر مبنای روابط اجتماعی؛ علم در شبکه‌های مجازی	صفحه ۱۰
درمان، کمک‌کننده از نقای سلامت نیست	صفحه ۱۱
سینمای مستند اجتماعی، نشانه میزان شفافیت یک جامعه	صفحه ۱۲

شرکت

زنانی در رأس کمپانی‌های بزرگ

تعداد زنانی که مدیریت کمپانی‌های بزرگ و قدرتمند را برعهده دارند، کم نیست. این را بگذارید کنار فهرست زنانی که رئیس‌جمهورند یا در کابینه کشورهای متبوع خود وزیران تأثیرگذاری هستند. در این گزارش به تعدادی از مدیران زن قدرتمند دنیا اشاره شده است که به‌طور معمول در فهرست قدرتمندترین زنان جهان دیده می‌شوند.

جینی رامتی، مدیرعامل آی‌بی‌ام



جینی رامتی، متولد جولای سال ۱۹۵۷، در سال ۱۹۷۹ با مدرسه مهندسی و علوم کاربردی اربت آر.م.ک‌کرمک در دانشگاه نورث‌وسترن با مدرک کارشناسی در علوم کامپیوتر و مهندسی برق فارغ‌التحصیل شد. رامتی پس از فارغ‌التحصیلی برای کار به مؤسسه جنرال‌موتورز رفت و در سال ۱۹۸۱، به‌عنوان مهندس سیستم‌ها، به دفتر دیترویت شرکت آی‌بی‌ام و در سال ۱۹۹۱ به گروه مشاور آی‌بی‌ام پیوست. رامتی در سال ۲۰۰۹ معاون ارشد و مجری گروه فروش، بازاریابی و استراتژی شد. رامتی با واردکردن شرکت در پردازش ابری و کسب‌وکارهای تحلیل‌محور، سهمی اساسی در استراتژی رشد و پیشروی آی‌بی‌ام داشت.

مری بارا، مدیراجرانی جنرال‌موتورز



«مری بارا»، کارآفرین و مدیر ارشد اجرایی آمریکایی است که در حال حاضر به‌عنوان مدیرعامل اجرایی شرکت جنرال‌موتورز فعالیت می‌کند. او در ۲۴ دسامبر ۱۹۶۱ در ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد. بارا نخستین زنی است که تاکنون به ریاست یکی از خودروسازان اصلی منصوب شده است. او مدرک کارشناسی‌اش را از انستیتوی جنرال‌موتورز دریافت کرد. سپس در سال ۱۹۸۸ با بورسیه کمپانی جنرال‌موتورز، وارد دانشگاه استنفورد و در ۱۹۹۰ در رشته ام‌بی‌ای فارغ‌التحصیل شد. مری بارا در ماه ژانویه ۲۰۱۴ از سوی هیأت‌مدیره جنرال‌موتورز، به ریاست این شرکت انتخاب و جانشین دنیل اکرسون شد. او در سال ۲۰۱۳ از سوی مجله فوربس در فهرست قدرتمندترین زنان جهان، در رتبه ۳۵ قرار گرفت.

انیدیرا نوینی، مدیرعامل اجرایی بیسی

«انیدیرا نوینی»، کارآفرین، بازرگان و مدیر ارشد اجرایی آمریکایی- هندی‌تبار است که در حال حاضر به‌عنوان مدیرعامل اجرایی و رئیس هیأت‌مدیره شرکت پی‌سی‌ف فعالیت می‌کند. او در ۲۸ اکتبر ۱۹۵۶ به دنیا آمده است. نوینی در سال ۲۰۱۳ در رتبه ۱۳ از فهرست قدرتمندترین زنان جهان نشریه فوربس قرار گرفت. او سابقه مدیریت در شرکت‌های معتبری مانند جانسون و جانسون، بوز آلن همپلتون، گروه مشاوره بوستون، موتورولا و گروه آ‌ب را در کارنامه دارد.

ماریسامایر، مدیرعامل یاهو

ماريسا مايِر متولد ۳۰ می ۱۹۷۵، مدیرعامل یاهو است. او فارغ‌التحصيل رشته هوش مصنوعی از دانشگاه استنفورد آمریکاست. مایر در سال ۱۹۹۹ به‌عنوان بیستمین کارمند گوگل، جذب این شرکت شد. او در سال‌های همکاری با گوگل، در سمت‌های مختلفی از قبیل مهندس، طراح، مدیر تولید و مدیر اجرایی کار کرد و سپس نقش‌های کلیدی‌تر از قبیل مسئول موتور جست‌وجوی گوگل، گوگل‌مپ، گوگل‌بوک و جی‌میل به او داده شد. مایر این سال‌ها را صرف هدایت گروهی کرد که مسئول تنظیم فعالیت‌های موتور جست‌وجوی گوگل بودند و حتی در بخش طراحی آیکون‌های موتور جست‌وجوی گوگل و صفحات وابسته به این شرکت نقش‌آفرینی کرده بود. مایر کنترل یاهو را در شرایطی در دست گرفت که این شرکت اوضاع خوبی نداشت و به‌عنوان گران‌ترین مدیرعامل در صنعت آی‌تی دنیا معرفی شد. او از جولای سال ۲۰۱۲ میلادی کار خود را با‌هوا آغاز کرد و حقوق پایه سالانه‌اش برابر با یک‌میلیون دلار اعلام شد که تا سقف ۲۰۰ درصدی هم می‌تواند کارانه بگیرد.

مگ ویتمن، مدیرعامل اچ‌بی



مگ ویتمن را می‌توان یک فعال اقتصادی و همچنین سیاست‌مداری موفق دانست. او در سال ۱۹۵۶ در نیویورک متولد شد. مگ با یک عارضه به نام دیسپلازیا متولد شد. مفصل ران پایش دچار مشکل بود و بنابراین به‌جای راه سه‌سالگی یک لباس ابراز بر تن می‌کرد. ابتدا تصمیم گرفت به پرینستون رفته تا پزشکی را بیاموزد، اما پس از مدتی تغییر عقیده داد و اقتصاد خواند. بعدها در هاروارد نیز به تحصیل MBA پرداخت. ویتمن در سال ۱۹۷۹، کار خود را در شرکت پی‌اندجی آغاز کرد. این شرکت قوانینی داشت که به کارآمران زن خود اجازه مسافرت به‌صورت تنها نمی‌داد. وی به مبارزه پرداخت و کار به جایی رسید که قانون شرکت به‌طور کل در این زمینه تغییر کرد. او مدتی در شرکت تبلیغاتی و رسانه‌ای به نام هاسبرو کار کرد تا اینکه به مدیرعاملی شرکت معروف آی‌بی‌بی رسید. در سال ۱۹۹۸ وی به eBay پیوست. در آن دوران، این شرکت ۳۰ کارمند و درآمدی معادل چهار میلیون دلار داشت. اما وقتی که در سال ۲۰۰۸ از کمپانی جدا شد، تعداد کارمندان به ۱۵ هزار نفر و درآمد به هشت میلیارد دلار رسیده بود. او از اوایل سال ۲۰۱۱ نیز به‌عنوان مدیرعامل شرکت اچ‌بی مشغول به کار است.

سیاست

زنان قدرتمند جهان

زنان امروزه علاوه بر اینکه در مناصب اجرایی شرکتی فعالانه دارند و دارای سمت‌های سطح بالایی هم هستند، در عالم سیاست و سازمان‌های بین‌المللی تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار نیز نقش‌های مهمی را بر عهده گرفته‌اند. درادامه، به چند نفر از آنان اشاره می‌شود.

آنکلا مرکل، صدراعظم آلمان

آنکلا دوروتئا مرکل در ۱۷ جولای سال ۱۹۵۴ در هامبورگ آلمان به دنیا آمد. او در سال ۱۹۷۳ در دانشگاه لیپتسیگ به تحصیل فیزیک پرداخت و در سال ۱۹۷۸ تحصیلات خود را به پایان رساند و دکترای خود را در مقطع شیمی فیزیکی در سال ۱۹۸۶ به دست آورد. در ژانویه ۱۹۹۱ هلمسوِت کهل (صدراعظم وقت آلمان) او را به عنوان وزیر بانوان و جوانان منصوب کرد و سپس او پست خود را به وزیر محیط زیست، حفظ طبیعت و بالاخره به امنیت راکتورها تغییر داد و این وزارت را تا سال ۱۹۹۸ که به قدرت‌گرفتن حزب سوسیال‌دموکرات آلمان به رهبری گرهارد شرودر انجامید، نگه داشت.

مرکل در سال ۲۰۰۰ به عنوان دبیر کل حزیش انتخاب شد. با وجود این، در سال ۲۰۰۲ ادموند شتویبر، دبیر کل حزب مسیحی سوسیال آلمان، که به دموکرات- مسیحی‌ها در پارلمان متحد بود، به عنوان نماینده دو حزب متحد برای صدراعظمی کاندید شد. او از ۲۲ نوامبر سال ۲۰۰۵، سرانجام طبق مذاکرات ائتلاف بزرگ سوسیال-دموکرات‌ها به صدراعظمی انتخاب شد به شرط اینکه هشت وزارتخانه بزرگ در دستان آنها باقی بماند.

هیلاری کلinton، نامزد کلیدی انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا

هیلاری رادام کلinton متولد ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷ ایالت ایلینوی آمریکاست. وی پس از پایان تحصیلات در کالج ورنلی در رشته علوم سیاسی در سال ۱۹۶۹ وارد مدرسه حقوق دانشگاه ییل شد و در اینجا بود که نخستین‌بار با بیل کلinton آشنا شد. او در سال ۱۹۷۳ دکترای حقوق را از همین دانشگاه دریافت کرد. با انتخاب بیل کلینتون به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، هیلاری بانوی اول کشور شد. در سال ۲۰۰۰ هیلاری کلinton به عنوان سناتور ایالت نیویورک انتخاب شد. او یکی از اولین زنان منتخب در مجلس سنای آمریکا بود. او در دولت اول باراک اوباما وزیر امور خارجه بود.

جنت یلن، رئیس بانک مرکزی آمریکا

«جنت لوبییز یلسن»، اقتصاددان آمریکایی، در سال ۱۹۶۶ به دنیا آمد. او استاد بازنشسته دانشگاه برکلی است که ریاست فدرال‌رزرو (بانک مرکزی آمریکا) را از اول فوریه ۲۰۱۴ بر عهده دارد. یلن نخستین زن در تاریخ صدساله تأسیس بانک مرکزی آمریکاست که عهده‌دار سمت ریاست بانک مرکزی این کشور شده است.

کریستین لاکارد، رئیس صندوق بین‌المللی پول

«کریستین مادلین اودته لاکارد»، متولد اول ژانویه ۱۹۵۶ حقوق‌دان فرانسوی، وزیر اقتصاد و دارایی پیشین فرانسه و رئیس صندوق بین‌المللی پول است. کریستین لاکارد در ژوئن ۲۰۰۷ از طرف نیکلا سارکوزی به عنوان وزیر دارایی انتخاب شد. او پیش از این نیز در زمان دولت دومینیک دو ویلین به عنوان وزیر تجارت و وزیر کشاورزی و ماهیگیری انتخاب شده بود.



عکس: مهدی حسینی

گفت‌وگو با اشرف بروجردي درباره غیبت مدیران زن در سمت‌های کلیدی و حساس

حضور اجرایی زنان مؤثرتر از مشارکت در قانون‌گذاری

✚ برگردیم به سیر حضور زنان در اجتماع بعد از انقلاب.

اوایل انقلاب برای زنان همچون سایر اقشار انقلابی جامعه مهم این بود که بتوانند یک جامعه عدالت‌پرور داشته باشند. درواقع، رویکرد آنها بیشتر این بود که شرایطی فراهم شود که جامعه، جامعه‌عدالت‌محور باشد و جامعه‌ای باشد که حق افراد را پرداخت می‌کند و جامعه‌ای باشد که افراد بابت شایستگی‌ها در جایی قرار می‌گیرند. بنابراین شما شاهد حضور معنی‌دار زنان در سیر مبارزات انقلاب هستید.

✚ با این اوصاف و با این پیش‌فرض، یعنی زنان پذیرفته‌بودند که حق کمتری نسبت به مردان دارند؟

مقصود من از عدالت‌محور، نسبت به کل جامعه بود. اولین اتفاقی که بعد از انقلاب افتاد، این بود که برای زن‌ها مانند باقی افراد جامعه مهم شد که شرایطی فراهم شود که همه بتوانند در آن آزادانه نفس بکشند و زندگی کنند و کسی مانعشان نباشد، آزارشان ندهد و مانع رشدشان نشود. این یک بحث کلی بود. بعدها درگیر هشت سال جنگ بودیم. در این هشت سال، زن‌ها بودند که توانستند حمایت‌ها را انجام دهند و جنگ را پیش ببرند و در بسیاری از مواقع به ضرس قاطع می‌گویم که زن‌ها در عرصه‌های مختلف احساس محرومیت کردند. به‌هرحال جنگ پیروز شود. زن‌ها تأمین‌کننده نیازهای اولیه بودند. این روند ادامه یافت تا جنگ تمام شد. جنگ که تمام شد، زنان متوجه شدند که می‌توانند در عرصه‌های دیگری نیز حضور داشته باشند. درهرحال، این را هم لحاظ کنید که جامعه ما جدا از جامعه جهانی نبود. سیر اطلاعاتی که وارد شد، موجب شد که زنان احساس کنند نسبت به نقش زنان در کل دنیا عقب مانده‌اند. اما واقعیتی که مقطعی، به اینجا رسیدیم که زن‌ها در عرصه‌های مختلف احساس محرومیت کردند. به‌هرحال نمی‌توانستند آزادانه ورزش کنند، در بازار کار جایی نداشتند، نمی‌توانستند تاجر باشند، در تصمیم‌گیری‌های کلان مملکت حضور نداشتند و به سمت آموزش حرکت کردند. این شد که رشد حضور زن‌ها در دانشگاه به مرز ۶۷ درصد رسید. این فرصتی بود که ایجاد شد؛ نه‌اینکه زن‌ها باهوش‌تر از مردها بودند یا زن‌ها وقت بیشتری برای مطالعه داشتند بلکه به دلیل محرومیت آنان در حوزه‌های دیگر بود که آنها این محرومیت را این چنین جبران کردند. بعد زنان به جایی رسیدند که همه تحصیل‌کرده و توانمند شده بودند و در عرصه‌های مختلف صاحب‌نظر بودند. حالا باید در بازار کار حضور می‌یافتند. اما واقعیت این بود که امکان حضور در بازار کار نداشتند. چرا؟ چون در این فاصله کسی که به مدیریت جامعه رسید، مرد بوده است و حاکم زن می‌خواهد وارد شود، می‌گویند که تو تجربه کار نداری و کسانی بیشتر از تو تجربه کار دارند که این، همان مردی است که توانست این عرصه مدیریت را به دست آورد. همین حالا اگر از کسانی که در رأس کار هستند آمار بگیرید، می‌بینید که زن‌هایی که دارای تحصیلات عالیه هستند چیزی حدود سه‌برابر مردان تحصیل کرده‌اند. مدیر مرد تحصیل‌کرده را با مدیر زن تحصیل‌کرده بسنجید، می‌بینید که زنان مدیر سه‌برابر مردان مدیر دارای تحصیلات عالیه هستند.

✚ ✚ ✚

مردان جامعه ما آرایش و آسایش خودشان را بیش از هر چیز دیگری می‌پسندند و فکر می‌کنند اگر زن از خانه بیرون برود، آنها آن آرایش را نخواهند داشت. اگر مردی بپوشد که زن باید هم‌فکر او باشد نه فقط در خدمت او بحث کاملاً متفاوت است. اما الان هنوز هم با این بلیه در جامعه روبه‌رو هستیم که مرد می‌خواهد آرایش خود را داشته باشد

✚ ✚ ✚

✚ درحال حاضر در مجلس شورای اسلامی چند نماینده زن وجود دارد.

دراین میان، دو نوع رویکرد وجود دارد: برخی معتقدند که این حضور بیش از آن که سودمند باشد، به ضرر زنان است. از سوی دیگر، گروهی از فعالان زن می‌گویند حتی با وجود اینکه در مقطعی برای مثال این نمایندگان زن تأثیری مثبت بر جامعه زنان ندارند، در درازمدت این حضور به‌نفع زنان است. نظر شما در این باره چیست؟

من تأکید می‌کنم که حضور در عرصه اجرا به‌مراتب اثرگذارتر از حضور در عرصه قانون‌گذاری است. یعنی حوزه اجرایی خیلی می‌تواند نافذ باشد. خیلی می‌تواند برای پیشبرد اهداف زنان مؤثر باشد. بنابراین می‌خواهم بگویم که اگر زنان در عرصه اجرا وارد شوند، نقضشان بیش از دیگر جاهاست. می‌توانند نگاه مردانه را تلطیف کنند؛ یعنی نگاه مردان جامعه را در تصمیم‌گیری‌ها تلطیف کنند. همیشه این بحث مطرح است که اگر زنان در عرصه تصمیم‌گیری برای جنگ حضور داشتند، هیچ جنگی در دنیا اتفاق نمی‌افتاد. بنابراین به‌طورقطع فکر می‌کنم حضور زنان مؤثر است. ولو اندک. اما اینکه در مورد مجلس پرسیدید، باید گفت که تعداد زنان در مجلس بسیار کم است؛ در مقابل ۲۹۰ نماینده مرد، هشت زن. طبعاً سهم تأثیر آنها بسیار اندک خواهد بود. به‌هرحال من هم فکر می‌کنم این از اولین گام‌هایی است که برداشته شده و آن حضور فیزیکی در مجلس است. امیدواریم زانانی به این جایگاه برسند که علاوه بر حضور فیزیکی، نقشی اثرگذار داشته باشند و ایفای نقش آنان بتواند به اصلاح قوانین در جامعه بینجامد.

✚ اما مشاهده‌ام نشان می‌دهد همین تعداد هم تصمیمی در راستای بهبود شرایط زنان در جامعه نداشته‌اند.

البته در مقاطعی هم زانانی بوده‌اند که توانسته‌اند مؤثر باشند. بنابراین مهم این است که کدام زنان و با کدام رویکرد به مجلس بیروند، فقدر توانایی این را داشته باشند که بتوانند حضور زن‌ها را معنادار نشان دهند. به اعتقاد من، حضور فیزیکی بخشی از تأثیر آنها در مجلس است. علاوه‌برآن نگرش مهم است، حضور

نگار حسینی: لازم نیست زیاد بگردیم. همین تحریریه روزنامه‌ها جامعه آماری مناسبی برای تحقیق است. کافی است پرسش این باشد: چند روزنامه سردبیر زن دارد؟ پاسخ: روزنامه‌ای نداریم. آیا روزنامه‌نگاران زن توانمند وجود ندارند؟ آیا زنان علاقه‌ای ندارند سردبیر باشند؟ آیا حتی هنگامی که دبیر سرویس بخش‌های مختلف روزنامه هستند، حضورشان به‌سادگی تحمل می‌شود؟ این خط را می‌توان گرفت تا مشاغل دیگر. چند زن در مجلس شورای اسلامی حضور دارند؟ چند وزیر زن در کابینه هستند؟ چند رئیس دانشگاه زن در ایران وجود دارد؟ همین‌ها کافی است تا این نتیجه را به دست بدهد که زنان در پست‌های مدیریتی حساس‌تر و تأثیرگذارتر جایی ندارند. درباره دلایل این حاشیه‌نشینی زنان با «اشرف بروجردي»، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گفت‌وگو کرده‌ایم:

✚ به نظر می‌رسد با وجود اینکه زنان در دهه‌های اخیر بسیار تحصیل‌کرده‌تر و توانمندتر شده‌اند اما در پست‌های حساس و مدیریتی، کم‌اکن ناشانی از حضور زنان نیست. دلایل این حضورنا داشتن را در چه می‌بینید؟

اینکه بسیار مشهود و آشکار است که ما حضور زنان را در عرصه‌های مدیریتی و حتی عرصه‌های تصمیم‌گیری نداریم. به سادگی می‌توان دید که زنان در تصمیم‌گیری‌هایی که منتهی به یک کار اجرایی می‌شود، حضور ندارند درواقع اگر بخواهیم دقیق‌تر باشیم، باید بگویم زنان اندکی هستند که می‌توانند در این عرصه حضور داشته باشند. توجیه مردان این است که زنان تجربه مدیریتی ندارند درحالی‌که خود مردان عین همین مشکل را داشته و دارند ولی حاضر نیستند که این سهم را در اختیار دیگری هم قرار دهند. این کاملاً واضح و آشکار است و علت‌یابی این مسئله نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد که چرا ما به اینجا رسیده‌ایم که زن‌ها را در عرصه‌های اجرایی نمی‌بینیم.

✚ اگر سیر حضور زنان را در جامعه در مقاطع مختلف نگاه کنیم، شاید ساده‌تر بشود این نبود زنان در پست‌های حساس را تحلیل کرد. این سیر حضور یافتن چگونه بوده است؟

در مقطعی از انقلاب و بعد از انقلاب، زنان به ضرورت حضور در اجتماع کمتر توجه داشتند و بیشتر با مسائل جنگ و جهه درگیر بودند و در آن حوزه حضورشان را به رخ می‌کشیدند. درواقع، در این مقطع نیز از زنان به‌عنوان نیروهای حامی و پشتیبان یاد می‌شود؛ نه به‌عنوان کسانی که در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر بوده‌اند. نکته دیگر اینکه به نظر می‌رسد فرهنگ عمومی جامعه، حضور زنان را نپذیرفته است. در اوایل انقلاب، یک بحث کلی در جامعه جا افتاده بود که حرف آخر را اسلام می‌زند و در این رویکرد نگاه این بود که اسلام اجازه نمی‌دهد زنان در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند. درحالی‌که واقعیت این نیست؛ وقتی زنان وارد اجتماع شدند و مطالعه کردند و عرصه مطالعه برایشان فراهم شد، به خطابودن این نکته پی بردند. آنها دریافتند که دین با حضور آنها در جامعه مخالف نیست و بنابراین معترض شدند. یعنی به عقیده من بحث، بحث ایدئولوژیک است. بحث دین است که اینجا خودش را نشان می‌دهد و باور مردان به اینکه دین مانعی برای حضور زنان در جامعه است.

✚ اما مواردی را همین اخیراً در جوامعی که متفاوت‌اند با ما، می‌توان دید. مريل استرپي، بازیگر آمریکایی در فیلمی ایفای نقش کرده است که محور اصلی آن حق رأی زنان در انگلستان است و خانم استرپ نقش یک فعال زنان را دارد. با وجود این و درحالی‌که مريل استرپ به‌عنوان یکی از بازیگران بنام و پرشنده سه دوره اسکار در سینما شناخته شده است، دستمزد او از دستمزد مرد نقش اول فیلم کمتر بوده است. دراین باره چه می‌گویید؟

این یک امر فرهنگی است که در درازمدت شکل گرفته و مشکل دیگر این است که خود زنان کمتر معترض می‌شوند و از کنار مسئله می‌گذرند درحالی‌که می‌دانند این موضوعی است فرهنگی و نمی‌تواند صحیح باشد.

✚ این فعالان زنانه از کجا می‌آید؟

بخشی از آن به ویژگی گذشت در زنان بازمی‌گردد. یعنی روحیه ملاطفت و تساهل و تسامح و همراهی که در میان زنان دیده می‌شود؛ و بخش دیگر بی‌نتیجه‌بودن تلاش‌هایشان است و اینکه هنوز بلوغ مردان به حدی نیست که دراین‌زمینه بتوان با آنها به بحث نشست و معمولاً چنین گفت‌وگوهایی با مزاح همراه می‌شود.

✚ عافیت‌طلبی بخشی از این ماجرا نیست؟

به عقیده من، این به معنای عافیت‌طلبی نیست بلکه به معنای نبود امکان حضور است و اینکه شما راضی هستید به همان وضعیت موجودی که در اختیارتان است. این رضایتمندی است که موجب می‌شود در موارد بسیاری زن‌ها کوتاه بیایند. در زندگی مشترک، زنان هستند که کوتاه می‌آیند و به‌همین‌دلیل است که از حق طلاق چشم‌پوشی با کمتر آن را مطالبه می‌کنند؛ چون اینها همیشه این گذشت را به‌عنوان شایبیت زندگی انتخاب کرده‌اند.

✚ آیا این شاهبیت، شاه بیت کارایی بوده است؟

در عرصه اجرا مفید نبوده اما در عرصه زندگی مشترک، مهم بوده است. من فکر می‌کنم که چون خواهان تداوم زندگی مشترک هستند کوتاه می‌آیند. باید بدانیم اگر زنان گذشت نداشتند، فروپاشی زندگی‌ها بیش از این مشهود بود و بخش مهمی از پایداری و ماندگاری خانواده، م‌رهون گذشت زنان است.

✚ به‌هرحال، گمان می‌کنم نگاهی به آمار طلاق در چند سال اخیر جامعه ایران نشان می‌دهد که زن‌ها مانند گذشته به آنچه شما آن را گذشت قلمداد می‌کنید، اهمیت نمی‌دهند یا کمتر اهمیت می‌دهند.

این نکته درست است و آن هم به دلیل آموزش‌ها و آگاهی‌هایی است که آنها به دست آورده‌اند.